

بررسی ارتباط بین گرایش به هویت ملی و بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان شهر بوشهر

مصدق کشاورزی^۱
تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۱۰

غلامرضا جعفری نیا^۲
تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۸

باقر گرگین^۳

چکیده

بی تفاوتی اجتماعی حکایت کننده نوعی بی توجهی و بی قیدی در افراد نسبت به قوانین، هنجارها، حوادث و اتفاقات اجتماعی، سیاسی و . . . در جامعه است که از سوی عمده اندیشمندان حوزه های مختلف مطالعاتی نکوهش شده و با قاطعیت محکوم گردیده است.

پژوهش حاضر که با هدف ارتباط بین گرایش به هویت ملی با بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان شهر بوشهر می باشد، از نظر نوع هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. روش تحقیق در این پژوهش روش پیمایش، و ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، تمامی افراد ۱۸ سال به بالای شهر بوشهر است که تعداد آنها بر اساس آخرین آمار در حدود ۱۵۰ هزار نفر می باشد و ۳۸۴ نفر از آنان بر اساس فورمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شده اند.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین گرایش به هویت ملی ($P = -0.35$) و تمامی ابعاد آن یعنی هویت تاریخی ($P = -0.26$)، هویت دینی ($P = -0.41$)، هویت فرهنگی ($P = -0.30$)، هویت سیاسی ($P = -0.40$)، هویت سرزمینی ($P = -0.33$) با میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان شهر بوشهر ارتباط منفی و معکوس و معنادار وجود دارد. بنابراین تمامی فرضیه های پژوهش تأیید می شوند. همچنین نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (Smart PLS) نیز نشان می دهد که دینداری بر بی تفاوتی اجتماعی تأثیر متوسط داشته (-0.53) و متغیر دینداری در مجموع ۰/۲۸ از واریانس متغیر بی تفاوتی اجتماعی را تبیین می کند. کلیدواژگان: بی تفاوتی اجتماعی، هویت، هویت ملی، شهر بوشهر.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران mosadegh.k@gmail.com

^۲ استادیار گروه جامعه شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول)

Jafarinia.reza@yahoo.com

^۳ استادیار گروه معارف اسلامی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

B_Gorgin65@yahoo.com

بی تفاوتی اجتماعی یکی از عناصر نامطلوب فرهنگ مدرن است که با تأکید بیش از حد بر ترجیحات شخصی و منافع فردگرایانه در زندگی شهری معاصر نموده یافته و همچون مانعی در ایجاد و برقراری ارتباطات مثبت اجتماعی و نیز افزایش مشارکت شهروندان در امور اجتماعی قرار گرفته، به تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه ملی منجر می‌شود (مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۵۲). در واقع بی تفاوتی اجتماعی حکایت کننده ی نوعی بی توجهی و بی قیدی در افراد نسبت به قوانین، هنجارها، حوادث و اتفاقات اجتماعی، سیاسی و . . . در جامعه است که از سوی عمده اندیشمندان حوزه های مختلف مطالعاتی (اخلاق اجتماعی، علوم اجتماعی، روانشناسی اجتماعی، جامعه شناسی شهری، ارتباطات و مردم شناسی اجتماعی و...)، نکوهش شده و با قاطعیت محکوم گردیده است (سیدرنجبر و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۵).

رسالت جامعه‌شناسی بررسی علمی مسائل و مشکلات اجتماعی و ارائه راه حل برای مرتفع کردن آنهاست. این رسالت در مورد جامعه ایران که اصطلاحاً دوران گذار از سنت به مدرنیته را طی می‌کند و ورود عناصر متنوع فرهنگ مدرن به ایجاد تغییرات بنیادین در ابعاد مادی و غیرمادی فرهنگ آن منجر شده است، از اهمیت بیشتری برخوردار است. دامنه و عمق تغییرات مذکور تا حدی زیاد است که برخی اندیشمندان و جامعه‌شناسان ایرانی از وجود نوعی شرایط آنومیک یا نابسامان اجتماعی در کشور سخن گفته‌اند (محسنی و صداقتی فرد، ۱۳۹۰: ۱). یعنی وضعیتی که طبق نظر دورکیم، هنجارهای اجتماعی و دستورالعمل‌های اخلاقی قبلی از کارایی لازم در هدایت کردن رفتار اجتماعی برخوردار نیستند و هنوز با هنجارهای کارآمد جدیدی جایگزین نشده‌اند. طبیعی است که در چنین شرایطی روابط اجتماعی دچار آسیب می‌شوند و بی تفاوتی اجتماعی به عنوان یکی از مصادیق آن خودنمایی می‌کند. همان‌طور که محسنی و صداقتی فرد بیان می‌کنند بی تفاوتی اجتماعی، «بیانگر بی‌احساسی، بدبینی، بی‌میلی و به عبارت بهتر نوعی افسردگی اجتماعی است» (محسنی و صداقتی فرد، ۱۳۹۰: ۲).

مشارکت اجتماعی، متضمن انواع کنش‌های فردی و جمعی در جهت دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه، و تأثیرگذاری بر فرایندهای گوناگون در حوزه امور عمومی است و بی تفاوتی همگانی نسبت به این امر، نشانگر انسان و جامعه‌ای است که یا با مسأله‌ای اجتماعی مواجه است یا تکامل و توسعه لازم را نیافته است. انسان به مقتضای اجتماعی بودن خود و پیوندجویی در گروه‌های اجتماعی، بدون حضور فعال در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره، جایگاه و مسئولیت و کارکرد خود را نمی‌یابد.

برخی از جامعه‌شناسان عواملی همچون رشد صنعت و تکنولوژی، توسعه ارتباطات اجتماعی، افزایش افسار گسیخته جمعیت، حرکات وسیع جمعیتی، گسترش فرهنگ شهرنشینی، مجاورت فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های متفاوت، رشد ارتباطات موزاییکی، عقلایی شدن رفتار انسان، گسترش منطق خشک محاسبه‌گری، فردگرایی، ضعف نهادها و اعتقادات مذهبی، سکولاریسم، و از بین رفتن هویت‌های گروهی و محلی را از جمله عوامل مؤثر بر بروز این پدیده برشمرده و معتقدند جوامع امروزی دوره‌ای از بحران در روابط انسانی را پشت سر می‌گذارند. به نظر ایشان، همان‌طور که مشارکت وسیع شهروندان در قلمروهای مختلف زندگی اجتماعی شرط مهم توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، پس عدم مشارکت شهروندان و شیوع بی‌تفاوتی نیز یک عامل قوی در توسعه نیافتگی است (مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۵۳-۱۵۲).

عوامل گوناگونی بر بی‌تفاوتی اجتماعی تأثیرگذار است که از جمله آنها گرایش‌های هویتی به ویژه گرایش به هویت ملی می‌باشد. در چند دهه گذشته موضوع هویت در ابعاد فردی و جمعی آن به شدت مورد توجه صاحب‌نظران حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفته شده است (داوید و بارتال^۱، ۲۰۰۹: ۳۵۴). ایجاد هویتی عام در میان گروه‌ها و قشرهای گوناگون از موضوعات مهمی است که نظام‌های سیاسی در جوامع گوناگون با آن مواجه هستند. نبود چنین حس هویتی تبعات فراوانی به همراه دارد (آلموند^۲ و دیگران، ۲۰۰۰: ۱۹). چرا که هویت جمعی عام به ویژه در سطح ملی مهم‌ترین بعد هویت اجتماعی و فراگیرترین و مشروع‌ترین سطح هویت در تمام نظام‌های اجتماعی است؛ زیرا هویت ملی در حوزه فرهنگ، سیاست و حتی اقتصاد، نقشی تعیین‌کننده دارد (قادرزاده و قادرزاده، ۱۳۹۳: ۱۷۱). هویت ملی بالاترین و فراگیرترین و در حین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی جدا از گرایش‌های ایدئولوژیکی می‌باشد (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۷).

هویت ملی یکی از مولفه‌های بنیادی شکل‌گیری و بقاء جامعه ملی و اصلی‌ترین حلقه ارتباطی با هویت عام قومی است که می‌تواند مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت را نسبت به عوامل و عناصر و الگوهای هویت بخش و یکپارچه ساز در سطح یک کشور، به عنوان یک واحد سیاسی به وجود آورد (شیخ‌آوندی، ۱۳۸۰: ۱۹۷).

1. David & Bar-Tal
2. Almond

هویت ملی در حکم نرم افزاری است که برای رسیدن به وفاق اجتماعی و انسجام عام از میان تمایز یافتگی های درون جامعه، ساخته و پرداخته شده است. هویت ملی در همه حوزه های فرهنگ، سیاست، اجتماع و حتی اقتصاد نقش تعیین کننده دارد و بنابراین بر بسیاری از مؤلفه های زندگی اجتماعی افراد تأثیرگذار است. مهم ترین کارکرد هویت، ایجاد همبستگی و همانندی و پرهز از بی تفاوتی است (احمدلو و افروغ، ۱۳۸۱: ۱۳) و هرچه همبستگی در میان ملتی بیشتر باشد، قدرت سیاسی و چانه زنی آن کشور در سطح ملی و فراملی بیشتر می شود. هویت ملی با بهره گیری از ظرفیت های نمادین زبان، دین، تاریخ و منافع مشترک، وفاق اجتماعی و همبستگی ملی را تقویت می کند و موجب آگاهی ملی و جهت دهی به زندگی اجتماعی می شود (زهیری، ۱۳۸۴: ۷۲) و تمامیت ارضی کشور را حفظ می کند و زمینه توسعه ملی و مشارکت مردمی می گردد (احمدی، ۱۳۸۶: ۹۰).

بنابراین با توجه به توضیحات داده شده بررسی عوامل مرتبط با احساس عدالت اجتماعی مسئله ای اساسی است و در این راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی می باشد که آیا بین گرایش به هویت ملی و بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان شهر بوشهر ارتباط وجود دارد؟

اما انجام پژوهش حاضر در شهر بوشهر مسئله ای اساسی و مهم است. شهر تاریخی و با قدمت بوشهر به عنوان یکی از استراتژیک و مهم ترین ترین مناطق کشور محل سکونت اقوام و طوایف مختلف با گرایش های هویتی متفاوتی است و علاوه بر افراد بومی تعداد زیادی مهاجر نیز در این شهر زندگی می کنند و از پتانسیل بسیار مناسبی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی برخوردار است، که لازمه این امر مشارکت هرچه بیشتر مردم در این شهر می باشد. لذا به منظور نیل به این هدف لازم است که زمینه های بی تفاوتی در این شهر کاهش پیدا کرده و به نوعی حس مشارکت و فعالیت های مختلف به مردم القا گردد تا به ویژه در شرایط فعلی زمینه گسترش پدیده ای مانند بی تفاوتی اجتماعی که بیانگر بی احساسی، بدبینی، بی میلی و به عبارت بهتر نوعی افسردگی اجتماعی است و در شهری مانند بوشهر که دارای پتانسیل های فراوان به ویژه اقتصادی می باشد فراهم نگردد.

در این عرصه البته تحقیقات جامعی در داخل ایران و همچنین در خارج از ایران صورت گرفته است. برای نمونه به دو نمونه اشاره می شود.

رادمان (۱۳۹۶) پژوهشی را با عنوان «بررسی تأثیر بی تفاوتی اجتماعی جوانان و رابطه ی آن با گسست اجتماعی- فرهنگی (مطالعه پیمایشی جوانان شهر بوکان)» به

انجام رساند. این تحقیق از نوع پیمایشی است که طی آن با ۴۰۰ نفر از را با عنوان «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی مورد مطالعه شهروندان بالای ۱۵ سال شهر اردبیل» به انجام رساندند. جامعه ی آماری پژوهش حاضر شامل تمامی شهروندان ۱۵ تا ۶۴ سال شهر اردبیل می باشد و حجم نمونه کوکران تعداد (۳۸۰) نفر تعیین شدند. یافته های پژوهش حاکی از آن است که بین متغیرهای مستقل پژوهش و بی تفاوتی اجتماعی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. علاوه بر این با توجه به نتایجی که در رگرسیون چند متغیره این پژوهش بدست آمد این است که در بین متغیرهای مستقل، متغیر مشارکت اجتماعی با ضریب (-۲۳۱/۰) و بعد از آن متغیرهای اعتماد اجتماعی و شبکه اجتماعی به ترتیب با ضریب (-۱۷۷/۰) و (-۱۷۱/۰) بیشترین تاثیر را بر متغیر بی تفاوتی اجتماعی داشته اند.

محسنی تبریزی و صداقتی (۱۳۹۰) و پژوهشی را با عنوان «پژوهشی درباره بی تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی)» به انجام رساندند. یافته ها نشان دادند که میان متغیرهای قومیت، شغل، و تحصیلات از صفات زمینه ای تفاوت وجود دارد و بین تمامی متغیرهای مستقل اصلی، یعنی؛ بی هنجاری (آنومی)، اعتماد اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، رضایت اجتماعی، محرومیت نسبی، فردگرایی، تحلیل هزینه-پاداش، و التزام مدنی با بی تفاوتی اجتماعی رابطه معنی داری بدست آمد.

در عرصه بین المللی نیز هافمن و دود^۱ (۲۰۱۷) ضمن تحقیقی با عنوان «مذهب، جنسیت و مشارکت در آفریقا که در زمینه بررسی ارتباط نگرش مذهبی (اسلام و مسیحیت) با میزان بی تفاوتی سیاسی و اجتماعی سه کشور نیجریه، اوگاندا و سنگال» به عمل آوردند، با نمونه ای متشکل از ۳۶۰۰ آزمودنی به این نتیجه رسیدند که افراد دارای جهت گیری مذهبی از نظر شناختی در حد بالایی قرار دارند و دین و مذهب تأثیر قابل ملاحظه ای در کنش سیاسی و اجتماعی این افراد می گذارد. همچنین طبق یافته ها، هر دو مذهب اسلام و مسیحیت افراد را به مشارکت در امور اجتماعی فرا می خواند اما مشارکت در بین افراد مسلمان بیشتر از افراد مسیحی بوده است.

المیزجایی^۲ (۲۰۱۱) در پژوهشی در کشور عربستان سعودی به «بررسی رابطه میان بوروکراسی و شهروندان» در جامعه مذکور می پردازد و بی تفاوتی عمومی را به عنوان مانعی در جهت برنامه های توسعه مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. این پژوهش بر روی نمونه ای ۴۴۶ نفری به صورت تصادفی از مردم شهر جده انجام شد و در پایان فرضیه وجود بی تفاوتی عمومی در شهروندان این کشور تأیید شد. محقق در پایان سعی

1. Hoffman & Dowd

2. Al. Mizjaji

کرده است پیشنهادهای پژوهش را به صورت راهبردهایی در جهت کاهش بی تفاوتی در این جامعه مطرح سازد. عربستان سعودی به عنوان ثروتمندترین کشور در جهان سوم، انواع خدمات عمومی در سطوح فردی و اجتماعی را به شهروندان عرضه می کند؛ بیمارستان رایگان، مدارس، دانشگاه ها، بزرگراه ها و غیره. بی تفاوتی شهروندان به طور کلی، واقعی است که به عنوان مانعی در راه تمام تلاش های عرضه شده به وسیله نظام اداری و دولتی برای توسعه در این کشور عمل کرده است. در واقع یکی از مهم ترین مسائل پیش رو در توسعه اجتماعی، اقتصادی و آموزشی مزبور، بی تفاوتی عمومی ذکر شده است که در این پژوهش مورد آزمون قرار گرفته است.

مبانی نظری

۱-۲- نظریه های هویت ملی

امیل دورکیم^۱ پس از تقسیم جوامع به ابتدایی ساده و صنعتی پیچیده موضوع پیدایش تقسیم کار و رواج تخصص و رشد هویت فردی را مطرح می نماید و در کنار این پدیده ها از پیدایش نوعی همبستگی که وی آن را همبستگی ارگانیکی در مقابل همبستگی مکانیکی یاد می کند. این نوع همبستگی در نظر وی موجب نوعی یگانگی اجتماعی ناشی از تفاوت پذیری است. وی در لابلای این نوع یگانگی به وجود آمده، به دنبال یک نوع وفاق اخلاقی است، وفاقی که فرد را نسبت به جامعه یا دولت وفادار سازد (علاقه بند، ۱۳۷۲: ۴۱؛ به نقل از صباغ و شالفروش شتربانی، ۱۳۸۹: ۷۴-۷۳). لذا در چنین جامعه ای سطح هویت جمعی اعتلاء می یابد.

ماکس وبر^۲ در تیپولوژی جریان سلطه و اقتدار در طول تاریخ جوامع، پس از بیان ویژگی های دوره کارزماتیک و سنتی و عقلانی و سازمان اجتماعی متناسب با آن، از سه نوع شخصیت اجتماعی: فره مند، فرهیخته و خبره یا متخصص که با سه نوع اقتدار موصوف قابل انطباق اند بحث می نماید. وی پس از مقایسه این دو جامعه به رشد عقلانیت ابزاری و کنش های عقلانی مبتنی بر ضوابط عام و اعتلای سطح هویت جمعی اشاره می کند. وبر ویژگی منحصر به فرد دنیای نوین را رشد فزاینده ی عقلانیت به خصوص عقلانیت ابزاری می داند که به تبع آن هویت ها نیز اعتلا می یابند و از حالت سنتی و عاطفی به هویت های عقلایی تبدیل می شود (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۲۳).

کاستلز^۳ هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است [...] اصطلاح هویت در صورتی که سخن از کنشگران اجتماعی باشد، عبارت است از فرایند معنا سازی بر اساس

1. Emile Durkheim
2. Max Weber
3. Castells

یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شوند. هویت منبع معنا برای خود کنشگران است و به دست خود آن‌ها از رهگذر فرایند فردیت بخشیدن، ساخته می‌شود. با این حال ممکن است هویت‌ها از نهادهای مسلط نیز ناشی شوند، اما حتی در این صورت نیز فقط هنگامی هویت خواهند بود که کنشگران اجتماعی آن‌ها را درونی کنند و معنای آن را حول این درونی سازی بیافرینند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۲).

کاستلز معتقد است که ساختن اجتماعی هویت همواره در بستر روابط قدرت صورت می‌پذیرد و بین سه صورت و منشأ هویت تمایز قائل می‌شود: هویت مشروعیت بخش، هویت مقاومت، هویت برنامه دار (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۲).

از نظر گیبرنا^۱ هویت ملی عبارتست از ویژگی‌هایی که ابعاد پنج گانه ملت در هر جامعه‌ی خاص به خود می‌گیرد. مثلاً، بعد روانشناختی مخصوص یک ملت، فرهنگ و آداب و رسوم متمایز از فرهنگ ملل دیگر، سرزمین و قلمرو مخصوص یک ملت و نظام سیاسی و اتفاقات تاریخی یک ملت که هویت ملی آن ملت را تشکیل می‌دهند (گیبرنا، ۱۳۷۸: ۸۱).

به نظر گیدنز^۲ هویت عبارت است از خود آنطوری که شخص از خودش تعریف می‌کند. انسان از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می‌کند و در جریان زندگی پیوسته آن را تغییر می‌دهد؛ هویت امر پایداری نیست، بلکه یک پدیده‌ی پویا و سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن می‌باشد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۱)؛ وی می‌گوید «نیروی اساسی اغلب کنش‌ها (در جامعه جدید) مجموعه‌ای ناآگاهانه برای کسب احساس اعتماد در کنش متقابل با دیگران است» به اعتقاد او، یکی از نیروهای پراکنده و موتور حرکتی کنش نیاز به رسیدن به امنیت هستی شناختی (یا حس اعتماد) است. چون انسانها میل دارند در روابط اجتماعی از میزان اضطراب خود بکاهند، این فرایند ناآگاهانه قبل از مکانیزم زبان‌آموزی و آگاهی قطعی بوجود می‌آید و منشأ ارتباطات انسانی است و به همین دلیل سیال و پویاست (ایمان و کیدقان، ۱۳۸۲: ۸۷).

گیدنز در تحلیل خود از هویت ملی، به پدیده جهانی شدن می‌پردازد و معتقد است که وی جهانی شدن به اضمحلال فرهنگ‌های بومی و قومی نمی‌انجامد بلکه برعکس به دلیل کاهش قدرت دولت‌های ملی و کنترل آنها بر فرهنگ‌های محلی، هویت‌های فرهنگی محلی و بومی جدیدی شکل می‌گیرد. گیدنز گفته است که گاهی برای نشان

1. guibernau

2. Anthony Giddens

دادن هویت خاصی، بدن و اعمال خود را جوری تنظیم می‌کنیم و کنش‌هایی انجام می‌- دهیم که تفسیر آنها در نظر دیگران، آن طوری که ما می‌خواهیم باشد. در دنیای مدرن، این رفتارها و کنش‌ها تحت تأثیر محیطی است که در آن قرار می‌گیریم و باید این آمادگی را داشته باشیم که رفتار و کنش‌های خود را با محیط سازگار کنیم (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۴۴-۱۴۵).

بوردیو^۱ با نقد دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه، کنش یا کردار انسان را با ترکیبی از عوامل سطح خرد و کلان تبیین می‌کند. وی، در سطح کلان به ساختارها یا حوزه‌های تعاملاتی اشاره دارد که هرکس بر حسب میزان سرمایه کلی (مجموع دو نوع سرمایه اقتصادی و فرهنگی) و بر اساس ساختار سرمایه (برحسب وزن نسبی انواع مختلف سرمایه اقتصادی و فرهنگی که در مجموع کل دارایی دارد)، در میدان اجتماعی توزیع و جایگاه و پایگاه اجتماعی پیدا می‌کند و در جوار کسانی جای می‌گیرد که از لحاظ سرمایه کلی با او مشابه هستند. افراد دارای پایگاه مشابه و تعاملات مشترک از عادت‌واره و الگوی کنشی نسبتاً همسو و هماهنگی برخوردارند. بوردیو، در خلال بحث از عادت‌واره و تفکیک و تقسیم‌بندی آن به عادت‌واره فردی و طبقه‌ای، موضوع هویت فردی و جمعی (مانند هویت ملی) را نیز مورد توجه قرار داده است. عادت‌واره فردی، از فردیت ارگانیک و ادراکات بلافصل شخص و هویت فردی جدایی ناپذیر است و عادت‌واره طبقه‌ای که از موقعیت اجتماعی- اقتصادی و جایگاه عاملان اجتماعی در ساختارها و میدان‌های تعاملاتی نشأت می‌گیرد، هویت‌های جمعی مشترک را پدید می‌آورد. عادت‌واره طبقه‌ای، در سبک زندگی افراد متعلق به گروه‌ها و طبقات مختلف به گونه‌ای نمود می‌یابد که از سائقه غذایی تا سلايق زیبایی‌شناختی و نگرش‌های سیاسی آنها را جهت می‌بخشد (بوردیو، ۱۹۸۴، به نقل از عبدالهی و قادرزاده، ۱۳۸۸: ۷).

تاجفل^۲ هویت را عبارت از یک «خود» مفهومی ناشی از عضویت درون گروهی در یک گروه اجتماعی همراه با احساسات، ارزش‌ها و تماس‌های عاطفی با دیگر اعضا که این احساس باعث تعلق فرد به گروه شده و هم چنین موجب می‌شود که خود را در دسته‌بندی‌های اجتماعی وابسته به گروه خود، معرفی کند. بر طبق دیدگاه تاجفل آن بخشی از هویت ما که نشأت گرفته از گروهی است که به آن تعلق داریم (درون گروه) و به وسیله مقایسه و ترجیح افراد گروه خود نسبت به کسانی که در خارج از گروه هستند (برون گروه) شکل می‌گیرد. در مواقعی که هویت فرد رضایت بخش نیست، افراد سعی خواهند کرد که یا گروه فعلی خود را ترک کرده و به گروه دیگری که در وضعیت

1. Pierre Bourdieu

2. Tajfl

مثبت‌تری قرار دارد ملحق شوند و یا این که در وضعیت گروه خود بهبود حاصل کنند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۲۶). در واقع «خود» نسبت به محیط واکنش نشان می‌دهد، در یک وضعیت ممکن است که ملیت در درجه اول اهمیت باشد اما در وضعیت دیگر ممکن است قومیت یا نژاد مورد توجه باشد یا در وضعیت دیگر دین مطرح باشد. بنابراین مفهوم «خود» از این هویت‌ها شکل می‌گیرد و همواره متناسب با شرایط و موقعیت‌ها تغییر می‌یابد (صباغ و شالفروش شتربانی، ۱۳۸۹: ۷۸ - ۷۷).

ریچارد جنکینز^۱ معتقد است هویت دستاوردی عملی، یعنی یک فرایند است که می‌توان آن را با به کار گرفتن کنش متقابل درونی و برونی فهم کرد. از نظر جنکینز هویت‌های اولیه مانند - خویشتنی، انسان بودن، جنسیت، خویشاوندی و قومیت و.....- در قیاس با سایر هویت‌های جمعی از استحکام بیشتری برخوردار هستند، همچنین گروه خویشاوندی منبعی آشکار برای هویت کنشگر اجتماعی است که از استحکام بالایی برخوردار است و انسان را از روحیه مشارکت جویی برخوردار می‌کند. زمان و مکان نیز به عنوان منابع ساخته شدن هویت در صحنه‌ی اجتماع دارای اهمیت کانونی هستند، چرا که شناسایی یک چیز به معنای آن است که آن را در زمان و مکان جای دهیم. نهادها به عنوان الگوهای جاافتاده عمل و همچنین سازمان‌ها به عنوان نمود رده بندی- های اجتماعی، از جمله حیطه‌های مهمی هستند که در چارچوب آنها تعیین هویت اهمیت پیدا می‌کند. هویت‌های اجتماعی توسط اشخاص کسب و مطالبه می‌شوند و در چارچوب مناسبت‌های قدرت به آنها تخصیص داده می‌شوند (جنکینز، ۱۳۹۱: ۴۲-۳۶).

جنکینز معتقد است که اعتماد بنیادین، نقش مهمی در نحوه تشکیل هویت افراد داشته و به آنان امکان می‌دهد تا در رویارویی با رویدادهای ناگوار زندگی اجتماعی، با تکیه بر شاخص اعتماد به نفس - که آن هم از اعتماد بنیادی سرچشمه می‌گیرد - امیدواری و شهامت خود را حفظ کرده و به نوعی از امنیت وجودی و خوش بینی و اعتماد نسبت به دیگران دست یابند (جنکینز، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۰).

۲-۲. نظریه‌های بی تفاوتی اجتماعی

مارکس در توجیه بی تفاوتی اجتماعی از بیگانگی بحث می‌کند. از نظر مارکس بیگانگی به وضعی اطلاق می‌شود که در آن انسان‌ها تحت چیرگی نیروهای خود آفریده‌شان قرار می‌گیرند و این نیروها همچون قدرت‌های بیگانه در برابرشان می‌ایستند. به نظر مارکس، نهادهای عمده‌ی جامعه سرمایه‌داری از دین گرفته تا اقتصاد سیاسی

^۱ Richard Jenkins

همگی دچار از خودبیگانگی شده‌اند. انسان‌ها برای بقای خود نیازمند همکاری هستند ولی در نظام سرمایه‌داری همکاری طبیعی خرد شده است و انسان‌ها نسبت به هم غریبه‌اند ولی مجبورند کنار یکدیگر کار کنند، نتایج این بیگانگی، پوچی، بی‌اهمیتی، بی‌اعتمادی، و در نهایت انواع آسیب‌های اجتماعی از سطوح کم و بیش ساده به شکل افسردگی تا سطوح عمیق ارتکاب به جرم‌های سنگین و جنایت است بنابراین می‌توان بی‌تفاوتی را از نتایج نهایی بیگانگی مد نظر مارکس دانست (توسلی، ۱۳۸۲: ۲۵).

از نظر وبر دستاوردهای دردناک نظام سرمایه‌داری همان «قفس آهنینی» است که به رشد روزافزون نهیلیست‌ها، پانک‌ها، ژولیدگان وهیپی‌ها و سرانجام انواع صورت‌های انزوای اجتماعی منجر می‌شود (توسلی، ۱۳۸۲: ۳۱).

از دیدگاه او دیوان‌سالاری (بوروکراسی) نگرش بیگانه و انسانیت‌زدایی شده‌ای را به وجود می‌آورد که به گفته وبر در جهت حذف عشق، نفرت و همه عناصر صرفاً شخصی، غیرعقلانی و عاطفی که از محاسبه می‌گریزند عمل می‌کند. وی معتقد بود افراد در این نظام به چرخ‌دنده‌های کوچک ماشین تبدیل می‌شوند و حس فردیت، خلاقیت، آزادی خود را از دست می‌دهند و این از یک منظر نوعی بی‌تفاوتی را در جامعه تداعی می‌کند (نبوی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۰).

بی‌تفاوتی که جرج لوکاج از آن یاد می‌کند نیز ناظر بر حیات غیرانسانی و شیء‌واره‌ای است که بر صفات انسانی مستولی می‌شود. او نیز سرمایه‌داری حاکم را مسبب چنین وضعیتی قلمداد کرده و آن را بخش مهمی از مصادیق بیگانگی می‌دانست. وی بی‌تفاوتی را در قالب احساس فتور، تنهایی و پوچی معرفی می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۳۷).

به نظر ساسول، هر چقدر افراد از نظر میزان احساس عدم اثربخشی و نداشتن هویت در سطح بالایی باشند، در این صورت زمینه برای بسترسازی بیگانگی افراد و بی‌تفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی فراهم خواهد آمد (ساسول^۱، ۲۰۰۳: ۱۰۱-۱۰۲).

ملوین سیمن کوشیده ضمن ارائه تعریفی از مفهوم بیگانگی و مشخص نمودن تیپولوژی آن انواع تظاهرات رفتار بیگانه گونه را در پنج نوع قابل تمیز که به نظر وی رایج‌ترین و متداول‌ترین صور کاربرد مفهومی است نشان دهد: الف) احساس بی‌قدرتی؛ ب) احساس بی‌معنای یا بی‌محتوایی؛ ج) احساس بی‌هنجاری؛ د) احساس انزوای اجتماعی و ه) احساس تنفر یا تنفر از خویشتن (یزدان پناه، لیلا، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

^۱ . Southwell

احساس بی‌قدرتی: عبارت است از احتمال یا انتظار متصوره از سوی فرد در قبال بی‌تأثیری عمل خویش و یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نبوده و وی را به هدفی که کنش او را بر اساس آن تجهیز گردیده است، رهنمون نیست. سیمن معتقد است که این مفهوم از بیگانگی بیش از صور دیگر آن در ادبیات معاصر کاربرد دارد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۴۴).

احساس بی‌معنایی: این مؤلفه بیگانگی، با الهام از دیدگاه پژوهشی آدا فینیفر و ملوین سیمن به این صورت تعریف شده است که: بی‌معنایی در افراد، نوعی بیگانگی است که فرد یا افراد دچار نوعی ابهام و شک و دودلی شده و قادر نیستند نتایج و پیامدهای رفتار خود و دیگران را پیش‌بینی کنند. به عبارتی تردید در اینکه در مورد معیارهای مطرح در سطح جامعه، به چه چیزی اعتقاد داشته و یا اعتقاد نداشته باشند (فینیفر^۱، ۱۹۷۰: ۳۹۰).

احساس بی‌هنجاری: به عقیده سیمن، احساس بی‌هنجاری، چون احساس بی‌قدرتی و بی‌معنایی، وضعیتی فکری و ذهنی است که در آن، فرد این احتمال را به حد مفراطی بر خود مفروض و متصور می‌دارد که تنها کنش‌هایی فرد را به حوزه‌های هدف نزدیک می‌سازند که مورد تأیید جامعه نیستند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۴۵). گسترش چنین وضعی سبب می‌شود که هنجارهای اجتماعی که سلوک فردی را نظم می‌بخشند، درهم‌شکسته شده یا تأکید خود را به عنوان قاعده رفتار از دست بدهند. لذا فرد در شرایطی قرار می‌گیرد که به درون خویش پناه برده و بدبینانه همه پیوندهای اجتماعی را نفی می‌کند. همراه با این وضعیت، اعتماد اجتماعی که لازمه آن وجود ضمانت‌های هنجاری متقابل می‌باشد کاهش یافته و افراد مشارکت کم‌تری در روابط اجتماعی خواهند داشت زیرا احتمال مورد استثمار قرار گرفتن توسط دیگران هر لحظه وجود دارد در چنین شرایطی تعهدات افراد کاهش یافته و احساس بی‌اعتنایی و بی‌علاقگی نسبت به مشارکت‌های اجتماعی - سیاسی در افراد افزایش می‌یابد (نبوی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۱).

احساس انزوای اجتماعی: واقعیتی فکری است که در آن فرد عدم تعلق و وابستگی و انفصال تامه‌ای را با ارزش‌های مرسوم جامعه احساس می‌کند. در این حالت، فرد همچنین دارای اعتقاد و باور نازلی نسبت به سازوکار ارزش‌گذاری و نظام پاداش اجتماعی نیز هست و خود را با هر آنچه که از نظر جامعه معتبر و ارزشمند است

^۱ . Finifter

هم‌عقیده و همسو نمی‌بیند. مع‌هذا، احساس انزوای اجتماعی از نظر سیمن به مفهوم قابلیت سازگاری فرد با زمینه اجتماعی خویش نیست بلکه مبین انفکاک فکری فرد از استانداردهای فرهنگی است.

سیمن نیز در تعریف انزوای اجتماعی چنین می‌گوید: انزوای اجتماعی احساسی تلقی می‌شود که فرد با زمینه‌های اجتماعی خویش سازگاری نداشته و از ارزش‌ها و اهداف مطرح در جامعه منفک می‌باشد.

لرنر انسان‌ها را بر مبنای بر مبنای گرایش به سه دسته تقسیم می‌کند: سنتی، در حال انتقال و نوگرا. سپس متذکر می‌شود که این انسان نوگراست که به‌میزان بالایی مشارکت جو است. از نظر او انسان نوگرا برخوردار از سواد، شهرنشینی، وسایل ارتباط جمعی، همدلی، طرز فکر و دید جهانی و نه محلی، مشارکت جویی و بینش غیرزاهدانه است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۷: ۴۲-۴۰).

چارچوب نظری پژوهش

دورکیم پس از تقسیم جوامع به ابتدایی ساده و صنعتی پیچیده موضوع پیدایش تقسیم کار و رواج تخصص و رشد هویت فردی را مطرح می‌نماید و در کنار این پدیده‌ها از پیدایش نوعی همبستگی که وی آن را همبستگی ارگانیکی در مقابل همبستگی مکانیکی یاد می‌کند. این نوع همبستگی در نظر وی موجب نوعی یگانگی اجتماعی ناشی از تفاوت‌پذیری است. وی در لابلای این نوع یگانگی به وجود آمده، به دنبال یک نوع وفاق اخلاقی است، وفاقی که فرد را نسبت به جامعه یا دولت وفادار سازد (علاقه‌بند، ۱۳۷۲: ۴۱؛ به نقل از صباغ و شالفروش شتربانی، ۱۳۸۹: به نظر گیدنز هویت امر پایداری نیست، بلکه یک پدیده‌ی پویا و سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن می‌باشد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۱)؛ وی می‌گوید «نیروی اساسی اغلب کنش‌ها (در جامعه جدید) مجموعه‌ای ناآگاهانه برای کسب احساس اعتماد در کنش متقابل با دیگران است» به اعتقاد او، یکی از نیروهای پراکنده و موتور حرکتی کنش نیاز به رسیدن به امنیت هستی‌شناختی (یا حس اعتماد) است. چون انسانها میل دارند در روابط اجتماعی از میزان اضطراب خود بکاهند، این فرایند ناآگاهانه قبل از مکانیزم زبان آموزی و آگاهی قطعی بوجود می‌آید و منشأ ارتباطات انسانی است و به همین دلیل سیال و پویاست (ایمان و کیدقان، ۱۳۸۲: ۸۷).

به نظر ساسول، هر چقدر افراد از نظر میزان احساس عدم اثربخشی و نداشتن هویت در سطح بالایی باشند، در این صورت زمینه برای بسترسازی بیگانگی افراد و بی تفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی فراهم خواهد آمد (ساسول^۱، ۲۰۰۳: ۱۰۱-۱۰۲).

ریچارد جنکینز معتقد است هویت دستاوردی عملی، یعنی یک فرایند است که می-توان آن را با به کار گرفتن کنش متقابل درونی و برونی فهم کرد. از نظر جنکینز هویت-های اولیه مانند - خویشتنی، انسان بودن، جنسیت، خویشاوندی و قومیت و..... در قیاس با سایر هویت‌های جمعی از استحکام بیشتری برخوردار هستند، همچنین گروه خویشاوندی منبعی آشکار برای هویت کنشگر اجتماعی است که از استحکام بالایی برخوردار است و انسان را از روحیه مشارکت جویی برخوردار می کند. زمان و مکان نیز به عنوان منابع ساخته شدن هویت در صحنه‌ی اجتماع دارای اهمیت کانونی هستند، چرا که شناسایی یک چیز به معنای آن است که آن را در زمان و مکان جای دهیم (جنکینز، ۱۳۹۱: ۴۲-۳۶).

بنابراین از نظریه های دورکیم، گیدنز، ساسول و جنکینز این فرضیه اصلی استخراج می گردد که:

بین گرایش به هویت ملی و بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی

- بین گرایش به هویت ملی و بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد.

فرضیه های فرعی

- بین هویت تاریخی و بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد.

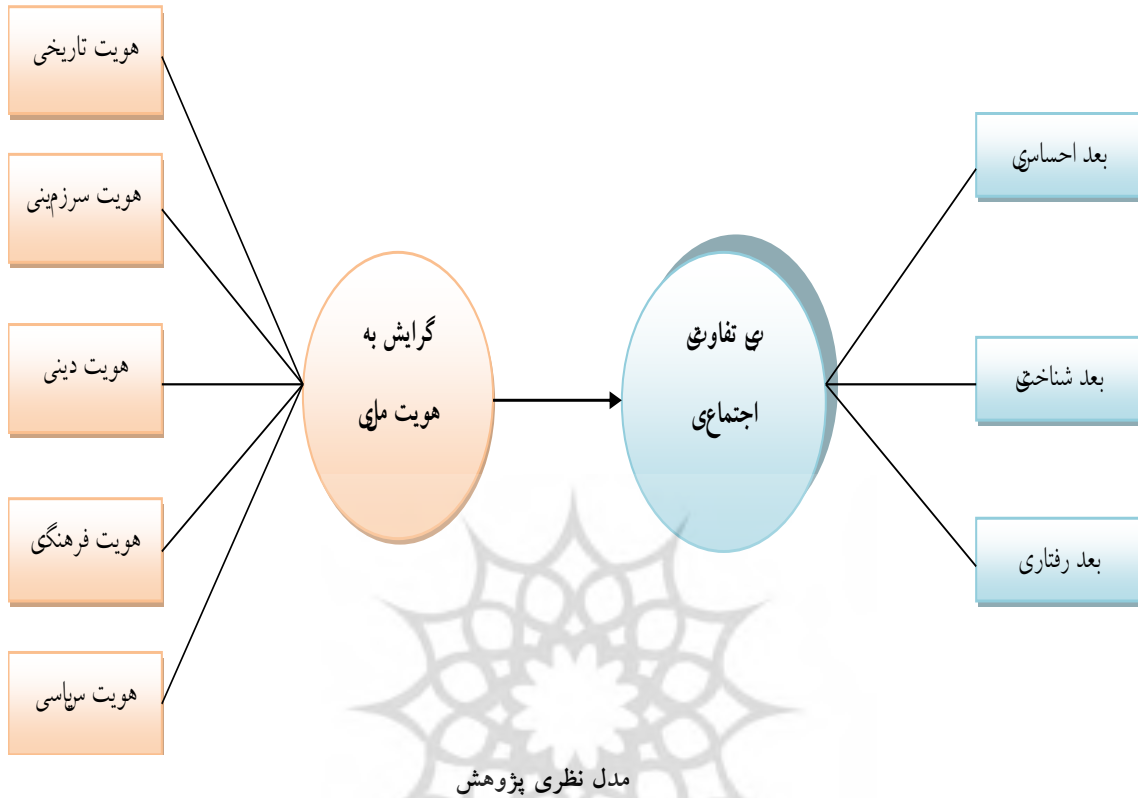
- بین هویت سرزمینی و بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد.

- بین هویت دینی و بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد.

- بین هویت فرهنگی و بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد.

^۱ . Southwell

- بین هویت سیاسی و بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد.



روش تحقیق

پژوهش حاضر که با هدف بررسی رابطه بین گرایش به هویت ملی و بی تفاوتی اجتماعی در شهر بوشهر می باشد، از نظر نوع هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی می باشد.

تحقیق حاضر بر اساس نوع داده های جمع آوری و تحلیل شده، تحقیقی کمی است و از لحاظ نوع برخورد با مسأله مورد بررسی و ورود به آن مطالعه ای میدانی است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش پیمایش می باشد. در مطالعه میدانی، برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پیش از آغاز پیمایش، پرسشنامه ی ابتدایی مورد آزمون اولیه قرار گرفت و با استفاده از نتایج به دست آمده، نقایص موجود برطرف و پرسشنامه نهایی تنظیم شد.

جامعه آماری پژوهش حاضر، شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر بوشهر می باشد. بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت شهر بوشهر ۲۲۳۵۰۴ نفر می باشد و جمعیت شهروندان ۱۸ سال به بالای آن به عنوان جامعه آماری پژوهش حاضر حدود ۱۵۰ هزار

نفر است. از آنجا که به طور طبیعی امکان مطالعه دیدگاه های تمامی ساکنان وجود نداشت از شیوه ی نمونه گیری برای تبیین نظریات افراد مورد مطالعه استفاده شده است و بر اساس فورمول کوکران تعدادی از افراد (۳۸۴ نفر) که معرف جامعه آماری تشخیص داده شدند به عنوان نمونه انتخاب و مطالعه شده است.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

$$N = 150000 \quad t = 1/96 \quad P = 0/5 \quad Q = 0/5 \quad d = 0/05$$

$$n = \frac{\frac{(1/96)^2 \times (0/5)(0/5)}{(0/05)^2}}{1 + \frac{1}{150000} \left(\frac{(1/96) \times (0/5)(0/5)}{(0/05)^2} - 1 \right)} = 384$$

روش نمونه گیری در این پژوهش شیوه نمونه گیری دو مرحله ای با استفاده از نمونه گیری خوشه ای و سپس نمونه گیری تصادفی ساده می باشد. پس از گردآوری داده ها تجزیه و تحلیل آن ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و Smart PLS انجام گردید و در این رابطه برای آزمون فرضیات، تست های آماری متناسب با هر فرضیه بکار گرفته شد.

در این رابطه جهت اطمینان از اعتبار لازم به مشاوره و بهره گیری از نظرات اساتید و کارشناسان مربوطه و همچنین از آزمون آلفای کرونباخ جهت پایایی پرسشنامه اقدام شده است و بر اساس ضریب آلفا ضریب پایایی تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ می باشد.

جدول ۱. پایایی پرسشنامه نهایی بر اساس ضریب آلفای کرون باخ

متغیر	شاخص	ضریب آلفا
	هویت تاریخی	۰/۸۱۱

۰/۷۵۲	هویت سرزمینی	گرایش به هویت ملی
۰/۸۰۱	هویت فرهنگی	
۰/۷۶۵	هویت دینی	
۰/۷۳۳	هویت سیاسی	
۰/۸۲۵	بعد احساسی	بی تفاوتی اجتماعی
۰/۸۱۴	بعد شناختی	
۰/۷۵۵	بعد رفتاری	

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

گرایش به هویت ملی

تعریف مفهومی: « هویت ملی نوعی احساس پایبندی، دلبستگی و تعهد به اجتماع ملی است که موجب وحدت و انسجام جامعه است و بخشی از هویت فرد را تشکیل می دهد (رزازی فر، ۱۳۷۹: ۱۰۶).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر هویت ملی با شاخص های هویت سیاسی، هویت سرزمینی، هویت فرهنگی، هویت تاریخی و هویت دینی مورد بررسی قرار گرفته شده است.

بی تفاوتی اجتماعی

تعریف مفهومی: بی تفاوتی اجتماعی در تعریف مفهومی، وضعیتی است که طی آن، افراد به واسطه عدم اتصال ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) با جامعه (همنوعان، نهادها و ساختارهای اجتماعی)، با بی علاقه‌گی و بی‌اعتنایی به واقعیت های پیرامون از انجام مشارکت اجتماعی- سیاسی، مسئولیت های اجتماعی، فعالیت های دگرخواهانه و درگیری فعال و مدنی در مسائل اجتماعی پرهیز می کنند (فرهادی استکی، ۱۳۹۵: ۴۴).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر بی تفاوتی اجتماعی با شاخص های بعد احساسی، بعد شناختی و بعد رفتاری مورد بررسی قرار گرفته شده است.

یافته ها

۱- ۲- آمار توصیفی

نتایج فراوانی متغیر جنس نشان می‌دهد که ۵۷/۷۲ درصد افراد مورد مطالعه زن و ۴۴/۲۸ درصد دیگر را مرد تشکیل داده‌اند.

نتایج فراوانی متغیر وضعیت تأهل نشان می‌دهد که ۵۷/۰۳ درصد افراد مورد مطالعه متأهل و ۴۲/۹۷ درصد دیگر مجرد می‌باشند.

نتایج فراوانی متغیر تحصیلات نشان می‌دهد که ۱۱/۷۱ درصد پاسخگویان دارای سطح تحصیلات زیر دیپلم، ۱۹/۷۹ درصد دارای سطح تحصیلات دیپلم، ۲۲/۶۶ درصد دارای سطح تحصیلات کاردانی، ۳۲/۳۰ درصد دارای سطح تحصیلات کارشناسی و ۱۳/۵۴ درصد دیگر دارای سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر هستند.

همچنین نتایج فراوانی متغیر سن نشان می‌دهد که ۰/۱۶ پاسخگویان ۱۸ تا ۲۰ سال، ۰/۲۱ پاسخگویان ۲۵ تا ۲۹ سال، ۰/۲۱ پاسخگویان ۳۰ تا ۳۵ سال، ۰/۱۵ پاسخگویان ۳۵ تا ۴۰ سال، ۰/۱۶ پاسخگویان ۴۰ تا ۴۹ سال، ۰/۸ پاسخگویان ۵۰ تا ۶۰ سال و ۰/۳ پاسخگویان ۶۰ سال به بالا هستند.

جدول ۲. توزیع پاسخگویان بر حسب هویت ملی و ابعاد آن

میانگین	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		مؤلفه‌های گرایش به هویت ملی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳/۶۶	۲۸/۶۴	۱۱۰	۲۶/۰۵	۱۰۰	۳۳/۸۵	۱۳۰	۶/۵۲	۲۵	۴/۹۴	۱۹	هویت تاریخی
۳/۴۲	۲۱/۳۵	۸۲	۲۳/۴۳	۹۰	۲۲/۴۵	۱۶۳	۵/۲۱	۲۰	۷/۵۵	۲۹	هویت فرهنگی
۲/۹۲	۷/۸۱	۳۰	۱۷/۹۶	۶۹	۴۲/۷۱	۱۶۴	۲۰/۵۷	۷۹	۱۰/۹۴	۴۲	هویت سیاسی
۳/۴۹	۱۵/۶۲	۶۰	۴۲/۹۷	۱۶۵	۲۳/۴۴	۹۰	۱۰/۹۳	۴۲	۶/۷۷	۲۶	هویت دینی
۳/۴۳	۱۵/۶۳	۶۰	۴۰/۶۲	۱۵۶	۲۴/۷۴	۹۵	۹/۳۸	۳۶	۹/۶۳	۳۷	هویت سرزمینی
۳/۳۸											میزان کل هویت ملی

جدول شماره ۲ مربوط به متغیر هویت ملی و مؤلفه‌های آن، نشان می‌دهد که در میان مؤلفه‌های هویت ملی بیشترین میانگین مربوط به هویت تاریخی (۳/۶۶) و کمترین میانگین مربوط به هویت سیاسی (۲/۹۲) می‌باشد. میانگین هویت فرهنگی (۳/۴۲)، هویت دینی (۳/۴۹) و هویت سرزمینی (۳/۴۳) و میانگین کلی هویت ملی نیز (۳/۳۸) می‌باشد که میزان آن بالاتر از متوسط است.

جدول ۳. توزیع پاسخگویان بر حسب بی تفاوتی اجتماعی و ابعاد آن

میانگین	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		مؤلفه های بی تفاوتی اجتماعی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲/۸۶	۵/۲۱	۲۰	۱۷/۹۶	۶۹	۴۵/۳۱	۱۷۴	۲۰/۵۷	۷۹	۱۰/۹۴	۴۲	بعد احساسی
۳/۰۶	۵/۲۰	۲۰	۳۶/۷۲	۱۴۱	۳۱/۷۷	۱۲۲	۱۱/۴۶	۴۴	۱۴/۸۴	۵۷	بعد شناختی
۳/۳۷	۱۳/۰۲	۵۰	۳۶/۷۲	۱۴۱	۳۱/۷۷	۱۲۲	۱۱/۴۶	۴۴	۷/۰۳	۲۷	بعد رفتاری
۳/۰۹											میزان کل

جدول شماره ۳ مربوط به متغیر بی تفاوتی اجتماعی و مؤلفه‌های آن، نشان می‌دهد که در میان مؤلفه های بی تفاوتی اجتماعی بیشترین میانگین مربوط به بعد رفتاری (۳/۳۷) و کمترین میانگین مربوط به بعد احساسی (۲/۸۶) می باشد. میانگین بعد شناختی (۳/۰۶) و میانگین کلی بی تفاوتی اجتماعی نیز (۳/۰۹) می باشد که میزان آن در حد متوسط است.

۲-۷- آمار استنباطی

۱-۲-۷- بررسی وضعیت نرمال توزیع داده ها

برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک، پیش شرط‌هایی وجود دارد که عبارتند از: شرط نرمال بودن داده ها. جهت بررسی نرمال بودن عامل‌ها از آزمون تک نمونه‌ای کلموگروف - اسمیرنوف به قرار زیر استفاده می شود.

داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند: H_0

داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند: H_1

جدول ۴. آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرهای پژوهش

بی تفاوتی اجتماعی	هویت سرزمینی	هویت دینی	هویت سیاسی	هویت فرهنگی	هویت تاریخی	خرده مقیاس‌ها شاخص‌ها
۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	تعداد
۲/۷۱	۳/۶۹	۳/۲۸	۲/۳۳	۲/۱۵	۲/۴۲	مقادیر کلموگروف- اسمیرنوف
۰/۲۱	۰/۱۴	۰/۰۹۳	۰/۰۹۰	۰/۱۷	۰/۰۸۰	سطح معناداری (دو دامنه)

با توجه به جدول شماره ۴ می‌توان نتیجه گرفت که چون مقادیر سطح معناداری کلیه متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۰۵ می باشند پس می‌توان گفت که این عامل نرمال بودن

توزیع داده‌ها را می‌رساند و می‌توان در تحلیل فرضیه‌های پژوهش، آزمونهای پارامتریک را بکار گرفت.

۲-۲-۷- آزمون فرضیه‌ها

- بین گرایش به هویت ملی و ابعاد مختلف آن (هویت تاریخی، هویت فرهنگی، هویت سیاسی، هویت دینی و هویت سرزمینی) با بی تفاوتی اجتماعی شهروندان ارتباط وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش مبنی بر ارتباط بین گرایش به هویت ملی (هویت تاریخی، هویت فرهنگی، هویت سیاسی، هویت دینی و هویت سرزمینی) با بی تفاوتی اجتماعی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح جدول زیر می‌باشد.

یافته‌ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد گرایش به هویت ملی و همچنین میزان کل آن با بی تفاوتی اجتماعی از دیدگاه شهروندان شهر بوشهر رابطه منفی و معکوس و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین هویت دینی و احساس عدالت اجتماعی ($P = -0/41$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین هویت تاریخی و احساس عدالت اجتماعی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P = -0/26$) می‌باشند.

همچنین رابطه بین بعد هویت فرهنگی ($P = -0/30$)، هویت سرزمینی ($P = -0/33$) و هویت سیاسی ($P = -0/40$) با بی تفاوتی اجتماعی از دیدگاه شهروندان شهر بوشهر دارای ضریب همبستگی منفی و معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان استدلال کرد که هر چه میزان گرایش به هویت ملی ($P = -0/35$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان بی تفاوتی اجتماعی کمتر می‌شود و تمامی فرضیه‌های پژوهش حاضر تأیید می‌شوند.

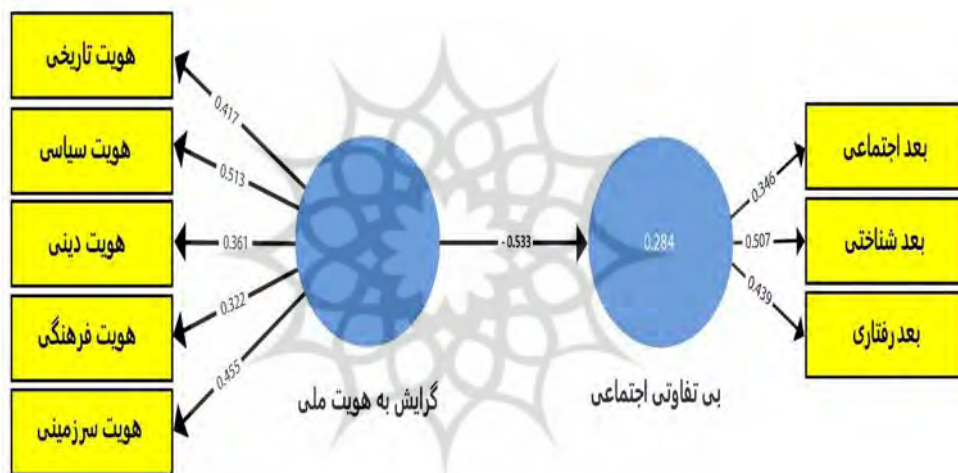
۲-۲-۳- مدل معادله ساختاری (Smart PLS)

به منظور تعیین شدت و جهت بررسی تأثیر ابعاد مختلف گرایش به هویت ملی بر بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان شهر بوشهر از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است. در این پژوهش با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری به آزمون مدل‌های معادله ساختاری پژوهش پرداخته می‌شود. رویکرد در این قسمت، رویکرد دو مرحله‌ای است. بدین معنی که پس از تدوین مدل نظری پژوهش لازم است تا به بحث برآورد مدل یا به عبارتی دیگر برآورد پارامترهای آزاد در مدل و تحلیل شاخص‌های جزئی و کلی مدل پرداخت تا مشخص شود که آیا داده‌های تجربی در مجموع حمایت‌کننده‌ی مدل نظری تدوین شده هستند یا خیر.

مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات (PLS) برخلاف روش کواریانس محور (نرم افزارهایی نظیر LISREL، AMOS و EQS) فاقد شاخص‌های

برازش مدل مبتنی بر کای دو جهت بررسی میزان مطابقت مدل نظری با داده‌های گردآوری شده می‌باشد، این امر به ماهیت پیش‌بین محور PLS بستگی دارد. بنابراین شاخص‌های برازش که به همراه این رویکرد توسعه یافته‌اند مربوط به بررسی کفایت مدل در پیش‌بینی متغیرهای وابسته می‌شوند؛ مانند شاخص‌های افزونگی^۱ و حشو^۲ یا شاخص GOF می‌باشد. در واقع این شاخص‌ها نشان می‌دهند که برای مدل اندازه‌گیری معرف‌ها تا چه حد توانایی پیش‌بینی سازه زیربنایی خود را دارند و برای مدل ساختاری، متغیرهای برون‌زا تا چه حد و با چه کیفیتی توانایی پیش‌بینی متغیرهای درون‌زا مدل را دارند.

برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثر متغیر گرایش به هویت ملی بر بی تفاوتی اجتماعی) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:



شکل ۱: مدل معادله ساختاری اثر گرایش به هویت ملی بر بی تفاوتی اجتماعی

جدول ۴: برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	GOF	SRMR	NFI
مقدار	۰/۸۱	۰/۰۸۳	۰/۹۱

1. Communality

2. Redundancy

شاخص های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در مجموع بیانگر این است که داده ها مدل نظری پژوهش را حمایت می کنند، به عبارت دیگر برازش داده ها به مدل برقرار است و شاخص ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۵. برآورد اثر متغیر گرایش به هویت ملی بر بی تفاوتی اجتماعی

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب اثر	مقدار بحرانی	سطح معناداری
گرایش به هویت ملی	<---	بی تفاوتی اجتماعی	۰/۲۳۸	۰/۴۸۸	۱/۲	۰/۰۰۱

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: (۱) متغیر گرایش به هویت ملی در مجموع ۰/۵۳- از واریانس متغیر بی تفاوتی اجتماعی را تبیین می کند، با مدنظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار در حد متوسط (۰/۲۸) برآورد می شود، به عبارت دیگر متغیر گرایش به هویت ملی در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان را دارد. (۲) اثر متغیر گرایش به هویت ملی بر بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان شهر بوشهر به لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرضیه ی کلی پژوهش مبنی بر اینکه متغیر گرایش به هویت ملی بر متغیر بی تفاوتی اجتماعی تأثیر دارد، تأیید می شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر می توان گفت اثر متغیر گرایش به هویت ملی بر متغیر بی تفاوتی اجتماعی منفی، معکوس و در حد متوسط برآورد می شود، به این معنا که افزایش میزان گرایش به هویت ملی می تواند در حد متوسط منجر به کاهش بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان شهر بوشهر گردد.

نتیجه گیری

همان طور که ذکر شد بی تفاوتی اجتماعی در تعریف مفهومی، وضعیتی است که طی آن، افراد به واسطه عدم اتصال ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) با جامعه (همنوعان، نهادها و ساختارهای اجتماعی)، با بی علاقه‌گی و بی اعتنائی به واقعیت های پیرامون از انجام مشارکت اجتماعی - سیاسی، مسئولیت های اجتماعی، فعالیت های دگرخواهانه و درگیری فعال و مدنی در مسائل اجتماعی پرهیز می کنند.

با توجه به اهمیت بحث از ارتباط بین گرایش به هویت ملی با بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان شهر بوشهر در پژوهش حاضر که در میان ۳۸۴ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر بوشهر به عنوان حجم نمونه به انجام رسید، به بررسی ارتباط بین ارتباط بین گرایش به هویت ملی با ابعاد هویت تاریخی، هویت فرهنگی، هویت

سیاسی، هویت دینی و هویت سرزمینی به عنوان متغیر مستقل و بی تفاوتی اجتماعی به عنوان متغیر وابسته پرداخته شد.

یافته ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد گرایش به هویت ملی و همچنین میزان کل آن با بی تفاوتی اجتماعی از دیدگاه شهروندان شهر بوشهر رابطه منفی و معکوس و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین هویت دینی و احساس عدالت اجتماعی ($P = -0/41$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین هویت تاریخی و احساس عدالت اجتماعی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P = -0/26$) می باشند.

همچنین رابطه بین بعد هویت فرهنگی ($P = -0/30$)، هویت سرزمینی ($P = -0/33$) و هویت سیاسی ($P = -0/40$) با بی تفاوتی اجتماعی از دیدگاه شهروندان شهر بوشهر دارای ضریب همبستگی منفی و معنادار می باشد. بنابراین می توان استدلال کرد که هر چه میزان گرایش به هویت ملی ($P = -0/35$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان بی تفاوتی اجتماعی کمتر می شود و تمامی فرضیه های پژوهش حاضر تأیید می شوند.

نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری **Smart PLS** نیز نشان می دهد که گرایش به هویت ملی بر بی تفاوتی اجتماعی تاثیر متوسط داشته ($-0/53$) و متغیر دینداری در مجموع $0/28$ از واریانس متغیر بی تفاوتی اجتماعی را تبیین می کند.

یافته های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین گرایش به هویت ملی و بی تفاوتی اجتماعی با یافته های پژوهش های رادمان (۱۳۹۶)، نجفی تیرتاشی و نجفی تیرتاشی (۱۳۹۶) و عنبری و غلامیان (۱۳۹۵) همخوانی دارند. آنها در پژوهش های خود همانند پژوهش حاضر به ارتباط بین گرایش به هویت ملی و بی تفاوتی اجتماعی پردند. یافته های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین گرایش به هویت ملی و بی تفاوتی اجتماعی با تئوری های دورکیم، گیدنز، ساسول و جنکینز همخوانی دارد.

بنابراین مشاهده می شود که هویت ملی در شهر بوشهر یکی از منابع مهم کاهش بی تفاوتی اجتماعی است و با افزایش هویت ملی در ابعاد مختلف میزان مشارکت افزایش پیدا می کند. مسئله ای که باید مسئولان و دست اندرکاران در شهر بوشهر مورد توجه قرار دهند. با توجه به اینکه در شهر بوشهر اقوام مختلفی زندگی می کنند، بنابراین داشتن هویت مشترک می توان به مانند یک زبان مشترک ایجاد کننده ی اعتماد، انسجام و مشارکت در میان مردم باشد و در نتیجه بی تفاوتی را کاهش دهد.

- احمدلو، حبیب و افروغ، عماد. (۱۳۸۱). رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز. فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۳، صص ۱۰۹-۱۴۲.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۶). معمای مدرنیته. تهران: نشرمرکز.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۷). جامعه شناسی توسعه، تهران: کلمه.
- ایمان، محمد تقی. کیدقان، طاهره. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان (مطالعه موردی زنان شهر شیراز). فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س). سال دوازدهم، شماره ۴۴ و ۴۵. زمستان ۸۱ و بهار ۸۲.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک. (رابطه آسیب ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۹۱). هویت اجتماعی. ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت اجتماعی. تهران: تهران: وزارت کشور.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۷۹). تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه. فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم. شماره ۵.
- رادمان، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر بی تفاوتی اجتماعی جوانان و رابطه ی آن با گسست اجتماعی- فرهنگی (مطالعه پیمایشی جوانان شهر بوکان). دانشگاه کردستان: پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی.
- رزازی‌فر، افسر. (۱۳۷۹). الگوی جامعه شناختی هویت ملی در ایران. فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵.
- زهیری، علیرضا. (۱۳۸۴). چیستی هویت ملی. فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره ۸.
- سیدرنجبرسقزچی؛ میرمصطفی، داود عبدالهی؛ هادی بهاری و علی موذن عموقین. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی مورد مطالعه شهروندان بالای ۱۵ سال شهر اردبیل، کنفرانس سالانه پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، تهران، پژوهشکده مدیریت و توسعه پژوهشگاه فرهنگ و هنر.
- شیخاوندی، داور. (۱۳۸۰). ناسیونالیسم و هویت ایرانی. تهران: مرکز بازشناسی اسلامی و ایرانی.

- صباغ، صمد و شالفروش شتربانی، آرزو. (۱۳۸۹). بررسی ابعاد هویتی (جهانی، ملی، قومی یا محلی و دینی) دانش آموزان دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن. مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۱، شماره ۱، زمستان.
- عبداللهی، محمد و قادرزاده، امید. (۱۳۸۸). هویت جمعی غالب کردها در کشور های ایران و عراق. نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۳۶.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی بحران هویت، نامه پژوهش، شماره ۲ و ۳.
- عبری، موسی و غلامیان، سارا. (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی. فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران. دوره ۷، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صفحه ۱۵۹-۱۳۳.
- قادرزاده، امید و قادرزاده، هیرش. (۱۳۹۳). مطالعه پیمایشی عوامل فرهنگی- اجتماعی مرتبط با هویت ملی نوجوانان. دوره ۲۱، شماره ۶۶، پاییز، صفحه ۱۷۰-۲۰۵.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جلد ۱، ظهور جامعه شبکه‌ای). ترجمه‌ی احد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان، ویراسته‌ی علی پایا، تهران: انتشارات طرح نو.
- گیرنا، مونتررات. (۱۳۷۸). مکاتب ناسیونالیسم و دولت - ملت در قرن بیستم. ترجمه امیرمسعود اجتهادی. تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
- محسنی تبریزی، علی رضا. (۱۳۷۰). بیگانگی. نامه علوم اجتماعی، شماره ۲. صص ۷۳-۲۵.
- محسنی تبریزی، علی رضا. (۱۳۸۱). آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی- فرهنگی بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۱۸۲. صص ۱۸۲-۱۱۹.
- محسنی تبریزی، علیرضا، صداقتی فرد مجتبی. (۱۳۹۰). پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی). جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان): پاییز ۱۳۹۰، دوره ۲۲، شماره ۳ (پیاپی ۴۳); ۱- ۲۲.

- مسعودنیا، ابراهیم؛ (۱۳۸۰). تبیین جامعه شناختی بی تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی. اطلاعات سیاسی - اقتصادی. مرداد و شهریور، شماره ۱۶۷ و ۱۶۸. ۱۶۵-۱۵۲.
- نبوی، عبدالحسین؛ نواح، عبدالرضا؛ امیرشیرزاد، نرگس. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر بی تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر دزفول). جامعه شناسی ایران. دوره ۱۵، شماره ۳، پاییز. صص ۱۳۲-۱۶۱.
- نجفی تیرتاشی، علیرضا و کلثوم نجفی تیرتاشی، (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر بی تفاوتی اجتماعی (مطالعه در مورد مردم شهر تهران- سال ۱۳۹۴). سومین کنفرانس سراسری پژوهش های نوین در حقوق و علوم اجتماعی، تهران، پردیس بین الملل توسعه ایده هزاره،
- یزدان پناه، لیلا. (۱۳۸۶). موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶. صص ۱۳۰ - ۱۰۵.
- Al. Mizjaji. Almad Dawood (2011), Public Apathy Towards Bureaucracy As A Constraint On The Development Of Saudi Arabia. Public Administration Quarterly, Fall 2001, 25, 3/4, Abi/ Inform Global. P: 270
- Almond ،G. A ,(1990) .the study of Dolitical culture ،in A Disciplin divided :school
- Amber, Haque. (2016). Preserving Cultural Identity in the 21st Century: Challenges to the Emirati Youth, Department of Psychology, UAE University.
- Chen,J & Zhong,Y. (2009). Mass Political Interest(Or Apathy)in Urban China. Communist and Post- Communist Studies,Vol 32. - David Ohad, Bar-Tal,Daniel. (2009). A Socio-psychological Conception of Collective Identity: The Case of National Identity as an Example. Pers Soc Psychol Rev 13: 354.
- Finifter, A.W. (1970), Dimentions Of Political Alienation, The American Science Review, Vol. 64, Pp: 389-410.
- - Ganse, H (2002), Political Participation And Apathy. Phylon. Vol 13.
- Guth,J.; Green, J.; Kellstedt, L.and Smidt, C.(2015),“Rrligion and political participation, prepared for delivery at the 2002 Annual meeting of the American political science Association”
- Hoffman, M. & R. Dowd, (2017) Religion Gender and Political Participation in Africa: Lessons From Nigeria, Senegal and Uganda, (Department of Political Science, University of Notre Dame).
- Southwell, P.L. (2003), The Politics Of Alienation: Nonvoting And Support For Third-Party Candidates Among 18-30 Years Old. The Social Science Journal, Vol; 40, PP: 99-107.